

* هم‌اکنون در سوئد و آمریکا سیستم مزیور

را بمرحله اجرا درآورده‌اند .

* اساس سیستم مزیور بر اینستکه نسل

تلویزیونی را جز با تلویزیون نمیتوان تربیت کرد.

→ براساس شیوه‌ای بسیار ساده این کودک کالیفرنیا که در یکی از مدارس بازدرس میخواند ، همچنانکه داستانی از این کتاب را میخواند ، همزمان آنرا هم میشنود .



حتماً شما که این مطلب را میخوانید کم‌وبیش از دلستگی فرزندان به تلویزیون و حتی گرفتاریهایی که بسیار در این مورد برای شما و دیگر اعضای خانواده فراهم می‌آورد آگاهید و چه بسا که بیشتر اوقات درباره عوارضی که این دلستگی در نتیجه امتحانات او آورده خواهد داشت ، اندیشناک هستید .

وقتیکه من و شما در ایران چنین احساسی را داریم ، یک پدر و مادر غربی احساسش بدرجات در این مورد شدیدتر است . زیرا در جوامع غربی خصوصاً کشورهای پیشرفته صنعتی تلویزیون و ضبط صوت قسمتی از زندگی شده و خواه نا خواه بخش عمده‌ای از اوقات شبانه‌روزی اطفال را بخود مشغول داشته است .

بادرك چنین واقعیتی است که کارشناسان آموزشی برای هماوردی با این گرفتاری بوسیله تلویزیون ، بجنگ تلویزیون رفته‌اند و کوشیده‌اند تا با ابتکار سیستم آموزشی جدیدی . با نسل تلویزیونی و احتیاجات و آرزوهایش دمسازی‌نشان



دهند. ویراساس چنین فرضیه‌ای است که از دو سال پیش بدینطرف مدارس نمونه‌ای در آمریکا وپاره‌ای از کشورهای عالم بوجود آمده که نه تنها از نظر شیوه‌های تعلیم و تربیت بلکه محیط درسی ، ساختمان و میز و نیمکت هم بکلی با مدارس امروزی متفاوت است چرا اینطور است ؟ و چرا محصل باید در اینقبیل مدارس درس بخواند ؟ این سئوالی است، که نه تنها ازخاطر شما بلکه همه پدران و مادرانی هم که بچه‌هایشان را در همان کشورها بمدرسه میفرستند میگذرد .

شاید بتوان گفت که پس از خواندن این مقاله تا اندازه‌ای قسمتی از پاسخ سئوال خویش را دریافته باشید .



هنگامیکه دختران و پسران امروزی در مدارس پیشرفته عالم قدم میگذارند بکلی با شاگردانیکه ده سال پیش مدرسه میرفتند وضعیتشان

فرق دارد . بدین معنی که بجای کلاسهای سابق و تکالیف سابق در مدارس امروزی شیوه‌ای رواج گرفته است که آنرا سیستم « طرح باز » مینامند . یعنی مدارس را بصورت زمین بسیار وسیعی طرح کرده‌اند که دیوارهای متحرکی در گوشه و کنار آن قرار دارد و بکمک آن میتوان قسمتهای مختلف را که معلمین و شاگردان در آن درس میخوانند کوچک و بزرگ کرد .

رنگهای پڑمرده و خسته کننده و تیره سابق که به میزها و درودیوار مدرسه میزدند ، جای خود را برنگهای روشن و با نشاط بخشیده است . در این کلاسها - اگر بتوان نام آنرا کلاس گفت - شیشه و نور بیش از همه چیز بچشم میخورد . ردیفهای معمولی نیمکت و صندلی که هم اکنون در کلاسهای امروزی بچشم میخورد در چنان محیط آموزشی بکلی ازین رفته است و بجای

←

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

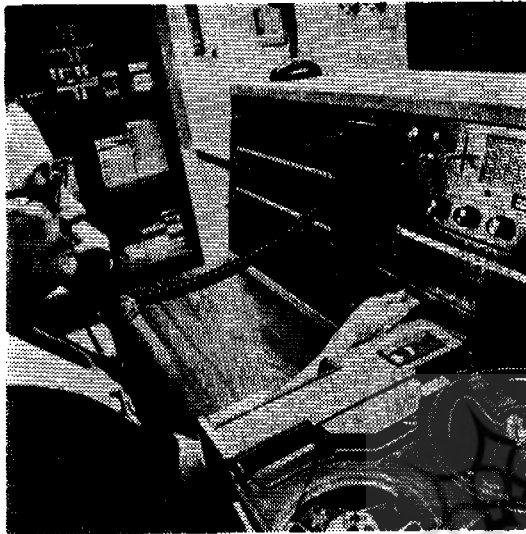
آن میز و صندلیهای جالبی ابتکار شده است .
بقول یکی از معلمین « مثل اینستکه شما
گروهی محصل را به اطاق نشیمن خانه خود دعوت
کرده باشید »

در حال حاضر سیستم مزبور تنها در سوئد و
امریکا بطور آزمایشی بکار برده شده است .

کالیفرنیا شش مدرسه ابتدائی بدین سبک
دارد که از آن میان میتوان مدرسه ابتدائی
« لینکلن » را در ناحیه «سان برناردینو» نام
برد . این مدرسه تقریباً باندازه یک میدان فوتبال
است که دفتر مدرسه در وسط آن قرار دارد .
کلاسهای « باز » همگی در اطراف این مرکز قرار
گرفته اند که در آنجا مدیر مدرسه بر آنها نظارت میکند .
دستگاه خود کاری روی میز مدیر مدرسه است
که بوسیله آن میتواند در هر لحظه با هر قسمتی از
مدرسه در تماس باشد ، خود او چنین میگوید :

« بفاصله چند دقیقه من میتوانم تمام مدرسه
را زیر نظر بگیرم و از وضع کلاسها ، بدون آنکه
مانع کارشان شده باشم یا حواسشان را پرت کرده
باشم آگاه شوم . من میتوانم هر مشکل آموزشی را
بلافاصله تشخیص دهم »

دانش آموزان این آزادی و گشادگی را دوست
میدارند ، اینها بر قالیهایی که مخصوص خودشان
درست شده می نشینند و در حالیکه مردم از
ایشوی بداندسوی در اطرافشان حرکت میکنند
بدون آنکه حواسشان پرت شود بکار خود مشغولند و
این مشغول بودنشان هم حتی از شاگردانی که در
کلاس درسته و میان چهار دیواری هستند بیشتر است .
یکی دیگر از مدیران مدارس چنین میگوید :
« میتوانم بگویم که سیستم آموزشی با



این اطاق در حقیقت مغز آموزشی مدرسه ابتدائی
« لینکلن » در شهر «سان برناردینو» است . در اینجا
مواد مختلف درسی برای تلویزیون مدار بسته و یا
ضبط صوتهای هر کلاس تهیه میشود .

سرآغازی نو یا یا تولدی جدید رویو شده است .
دانش آموزانی که از خانه هائی می آیند که در هر
اطاقش تلویزیونی قرار دارد البته مشکلاتی دارند .
اینها دلشان نمیخواهد که زیاد دل بفرآگیری
بدهند . از اینروست که با ابتکار این قبیل کلاسها
میکوشیم تا محصلین را نسبت به درس و فرآگیری
بیش از پیش دل بسته کنیم .

شیوه های آموزشی هم مثل ساختمان این
مدرسه انقلابی است . دانش آموزان قسمت عمده
معلومات خویش را از تلویزیون و ضبط صوت فرامیگیرند .
کودکان را با سانی میتوان بر حسب استعدادشان
بدسته های کوچکی تقسیم کرد .

معنی این سخن اینست که کودکان زرننگ و
باهوش مجبور باینستند که با کودکان کم هوش تر
نبوده و باین نتیجه از کندی شیوه تدریس خسته و بیزار
نمیشوند . همچنین دانش آموزان کم هوش تر و کند هم

مدرسه ابتدائی لیتکلن» درحال حاضر / ۴۲۵
دانش آموز دارد . اما تا / .۷ نفر را هم میتواند
قبول کند .

تردیدى نیست که کودکان با متد جدید
دمسازى نشان میدهند و آسختن و آموزش ، کاسلا
خود را با « نسل تلویزیونی » هم آهنگ ساخته است .
البته ممکنست پاره‌ای از والدین از چنین
شیوه‌ای که نوعی جدائی از روشهای گذاشته است ،
خوششان نیاید ، اما ضرورت دارد که در این مورد
بیشتر بیندیشیم و شرایط زمان و مکان را در نظر
گیریم .

چون همگی در گروه خودشان کار میکنند و آدمی با
هوشتر از خودشان میانشان نیست احساس زبونی
و عقب ماندگی نمی کنند .

لازم بگفتن نیست که شیوه‌های تدریس
دیرینه پاره‌ای اوقات برای کسانی که نیازمند مراقبت
بیشتری از جانب معلم هستند مؤثرتر جلوه میکند .
کودکان کور هم می‌توانند بجای رفتن
به مدارس مخصوص ، در این قبیل مدارس درس
بخوانند .



دکتر — فقط این غذاها رو که برایت نوشتم بخور ، خورشت قیمه —
چوجه کباب — باقلا پلو با بره — خورشت بادمجان — چلو کباب .
بچه ... اینها رو قبل از غذا بخورم یا بعد از غذا ؟